فـــرارو

ارمغان واحدهای صنعتی استان مرکزی

در روزهای اخیر برخی شهروندان اراکی در حالی مجبورند بوی نامطبوعی را در شهر استشمام کنند که هنوز هوای این کلانشهر آنقدر سرد نشده که شاهد مازوت سوزی در شهر باشیم، اما در چند روز گذشته مردم مناطق مختلف اراک از بوی نامطبوع شهر گلایه‌مندند. بر اساس گزارش شهروندان در مناطق مختلفی از جمله انتهای هپکو، حافظیه، فاطمیه، معلم، مصطفی خمینی، جهرم و... این بو تا پاسی از شب استشمام می‌شود. به گزارش ایلنا، با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که منشا این بوی نامطبوع، ترکیبات آلی فرار است که توسط یکی از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان مرکزی تولید شده و به سرعت انتشار یافته است. باید عنوان کرد که ترکیبات آلی فرار مواد شیمیایی هستند که به سادگی بخار و تبدیل به گاز می‌شوند و در ساختمان آنها اتم کربن وجود دارد. این ترکیبات در برخی از فرآورده‌ها وجود دارند یا در فرایند برخی از فرآورده‌ها آزاد می‌شوند. همچنین برخی از آنها می‌توانند با سایر گازها و آلاینده‌های درون هوا واکنش ایجاد کنند و مواد زیان بار دیگری به وجود آورند. برخی از ترکیبات آلی فرار به خودی خود زیان بار هستند. تنفس ترکیبات آلی فرار می‌تواند باعث تحریک چشم‌ها، بینی و گلو شوند، اشکال در تنفس و همچنین تهوع ایجاد کنند، به دستگاه عصبی مرکزی و سایر اندام‌ها آسیب بزنند و یا حتی سرطان‌زا باشند. البته باید در نظر داشت که تمامی ترکیبات آلی فرار اثرات زیان بار بر سلامت را ایجاد نمی‌کنند، اما بسیاری از آنها چندین اثر زیان بار بر سلامت دارند. حمیدرضا مهاجرانی ،مدیرعامل مؤسسه محیط زیستی بوم فناوران مرکزی نیز در این رابطه گفت: موضوع آلودگی هوای اراک در روزهای اخیر، علاوه برآزار شهروندان به علت استنشاق بوی نامطبوع، از چند جهت دیگر نیز مردم و فعالان حوزه محیط زیست را نگران و ناراحت کرده است. مدیرعامل مؤسسه محیط زیستی بوم فناوران مرکزی اظهار داشت: موضوع دیگر، خطرات جدی این آلودگی برای سلامت شهروندان است که متأسفانه از سوی مسئولان ذیربط استان مرکزی از منظر بهداشت عمومی و محیط زیست انسانی هشدارهای لازم در این باره، ارائه داده نشد. مهاجرانی تصریح کرد: از جمله خطراتی که لازم است در مورد آلودگی‌های هیدروکربنی حاصل از مواد نفتی، اطلاع‌رسانی شود، این است که آنها می‌توانند باعث سردرد و سرگیجه در سطح وسیع شوند. از سوی دیگر این ترکیبات می‌توانند باعث اختلال عصبی به نام «نوروپاتی محیطی» شود که شامل بی‌حسی در دست‌ها و پاهاست. وی بیان داشت: سایر این ترکیبات، تحت عنوان TPH می‌توانند بر روی خون، سیستم ایمنی، ریه‌ها، پوست و چشم‌ها تأثیرات منفی بلند مدتی بگذارند. امیدواریم این خطاهای بزرگ، دوباره توسط مسئولان مربوطه تکرار نشود تا شهروندان استان مرکزی از نظر سلامت عمومی، احساس امنیت لازم را داشته باشند.

تهی شدن تمام آبخوان‌های کشور

مسعود امیرزاده کارشناس آب ضمن اشاره به اینکه مساله کمبود کمیت آب در ایران همیشه وجود داشته است، اظهار کرد: مسائلی همچون تغییرات اقلیمی، احداث سد، حفر چاه در دشت‌های ممنوعه و تهی‌سازی آبخوان‌ها وهمچنین فعالیت‌های توسعه محورانه و برهم زدن پیکر آبخیز کشو از جمله عوامل مهم تاثیرگذار بر بحران کم آبی هستند. تغییرات اقلیمی از جمله عواملی است که برایجاد وضعیت بحرانی تاثیرگذاشته است. ما بر اثر تغییرات اقلیمی میزان قابل توجهی از بارش‌های سالیانه را ازدست داده‌ایم. الگوی بارش‌ها تغییر کرده است و از بارش‌هایی که به‌صورت برف بودند به باران‌های مقطعی و سیل‌آسا تغییر کرده‌اند که این مساله موجب می‌شود تا قدرت نفوذ آب را از دست دهیم. این کارشناس آب با تاکید بر کاهش میزان بارندگی‌ها به مساله افزایش دمای کره زمین نیز اشاره کرد و گفت: باافزایش دمای زمین، هرآنچه که از بارش و ریزش‌های آسمانی دریافت می‌کنیم همچون سابق نمی‌تواند در سطح زمین باقی بماند و به سرعت تبخیر می‌شود. وی در ادامه به برداشت‌های نامتوازن از منابع آبی به عنوان دومین عامل تاثیرگذار بر بحران کم‌آبی اشاره و اظهار کرد: ما معیارهای گذشته در برداشت آب را برهم زدیم. در دهه ۴۰ بسیاری از دشت‌های ما ممنوعه شده بودند اما برای بهره‌برداری از آن‌ها بیش از ۷۰۰ هزار چاه در آن دشت‌های ممنوعه احداث کردیم. عنوان مجاز یا غیرمجاز بودن این چاه‌ها چندان اهمیت ندارد وقتی نتیجه نهایی آن مشترک است. در یک بازه زمانی ۵۰ ساله تمام آبخوان‌های کشور تهی شده است. این آب‌ها حاصل صدها هزارسال ذخیره کره زمین برای کارکردهای خود زمین و به‌نوعی ذخیره استراتژیک سرزمین ما بود ولی ما با بی‌مبالاتی از آن‌ها استفاده کردیم. امیرزاده افزود: مساله برداشت بی‌رویه تنها به آب‌های زیرزمینی ختم نمی‌شود چرا که برداشت ما حتی از آب‌های سطحی نیز بیشتر از اجازه طبیعت بوده است. بخش مهمی از این آب‌ها مربوط به محیط زیست بوده و باید در چرخه طبیعی قرار می‌گرفت و به تالاب‌ها، مسیرهای جنگلی و مرتعی می‌رسید تا طبیعت بتواند کارکرد طبیعی خود را داشته باشد.

ضد و نقیض‌های اختصاص مکان‌هایی برای اعتراضات در شهرها بررسی شد

نقض غرض

یک نماینده مجلس با تعیین مکان‌هایی برای اعتراض مخالف است چراکه به گفته او، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و دائم عده‌ای در آنجا جمع می‌شوند و سرویس‌های جاسوسی خارجی ورود می‌کنند

سخنگوی دولت: حجم زیادی از اعتراض تجمیع شد و حالت انفجار به خود گرفت؛ تقصیر دولت قبل بود

آرمان ملی: آبان ۹۸ بود که زمزمه‌های تعیین محلات و خیابان‌هایی به نام مردم جهت برگزاری تجمعات اعتراض آمیز آن‌ها مطرح شد. جرقه ابراز نارضایتی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در آن برهه از تاریخ ایران، گرانی بنزین بود. در همان روزهایی که به سیاق معمول بالاگرفتن تجمعات، اینترنت قطع شد(هرچند که وزیر ارتباطات وقت گفته در ناآرامی‌ها- منظور ناآرامی‌های اخیر- هیچگاه محدودیتی روی اینترنت ثابت نداشتیم)، اعضای سراسر اصلاح‌طلب شورای شهر، جلسه معمول خودرا با حضور سورنا ستاری(معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور) به این موضوع اختصاص دادند که این معاونت چه دستاوردهایی در حوزه ارتباطات داشته؛ ضد و نقیضی که آن روز بر جلسه مسئولان وقت حاکم بود، پرسش‌هایی را در خصوص چرایی وضعیت اینترنت کشور، بی‌خبری از آنچه در شهرها در جریان التهابات مردم معترض آبان می‌گذشت و مثل حالا ضرر و زیان کسب و کارهای اینترنتی، به ذهن متبادر می‌کرد. آن زمان تلگرام مورد هدف فیلترینگ قرار گرفت. اعضای شورای شهر تهران در آن زمان به عنوان مسئولین و متصدیان امورات شهری که با رأی مردم به کرسی‌های شورا راه یافته بودند، پاسخی در خصوص اتفاقات رخ داده نداشته و گفتند که روز گذشته در مجلس شورای اسلامی جلسه‌ای داشته‌اند مبنی بر اینکه در خصوص آنچه اعتراضات مردمی خوانده می‌شود و وضعیت فعلی کشور و قطعی اینترنت، صحبتی به میان نیاوردند. (نقل قول از شهربانو امانی نماینده وقت شورای شهر تهران در سال ۹۸). البته پیشنهادهایی از سوی برخی اعضا، ازجمله احمد مسجدجامعی در خصوص اختصاص اماکنی در شهر برای برگزاری تجمعات و اعتراضات مردمی هم مطرح شد؛ پیشنهادی که تاکنون و در سال ۱۴۰۱ هم جسته و گریخته از سوی برخی افراد مطرح و ابتر مانده است. اینکه اختصاص مکان‌هایی ویژه برای تجمعات مردمی تا چه حد می‌تواند امنیت جان معترضان را حفظ کرده و آن‌ها را از برخوردهای خشونت باری که مسئولین می‌گویند نه از سوی نیروهای آن‌ها که توسط افراد و اشخاصی که از لباس نیروهای امنیتی سوءاستفاده می‌کنند مصون نگه دارد. ناگفته نماند که برخی تجمعات در هرکجای کشور توسط هر قشری اعم از کشاورزان و غیره صورت گرفته در نهایت به صحنه‌هایی از زد و خورد ختم شده است. آنچه واضح است این است که علی رغم صحبت‌های مسئولین از بحق دانستن اعتراضات مردمی و اینکه این حق برای آن‌ها محفوظ است و غیره و غیره، شرایطی حاکم است که تجمعات را به هر دلیلی فعلا برنمی‌تابد.

معترضان مشکل اقتصادی ندارند!

اخیرا هم یک نماینده مجلس گفته است که با تعیین مکان‌های خاص برای برگزاری اعتراضات مخالف است. چرا که به گفته او «مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و دائم عده‌ای در آنجا جمع می‌شوند و سرویس‌های جاسوسی خارجی ورود می‌کنند.» حسین گودرزی نماینده یازدهمین دوره مجلس توضیحات مبهمی هم در این باره ارائه داده و گفته: «نسبت جمعیتی همیشه یکسان نیست و همیشه هم اعتراضات، خاستگاه سیاسی ندارند و گاهی یک گروه صنفی به موضوعی معترض است و در هر حال آرامش آن منطقه نیز سلب می‌شود. به نظرم اگر وزارت کشور این مسیر را برای اعتراضات با مسئولیت احزاب باز کند، دیگر در هر کوچه و خیابان شاهد اعتراضات نخواهیم بود و نیروهای امنیتی می‌دانند که کجا را باید حفاظت کنند و کجا اعتراضات غیرقانونی است و با آن برخورد کنند.» او در حالی از مسئولیت احزاب یاد کرده که در حال حاضر و با توجه به شکل فعالیت احزاب و البته اقبال مردمی از آن‌ها، به جرأت می‌توان گفت چیزی از آن‌ها به جز یک نام باقی نمانده است. نماینده مذکور درباره آزادی‌های اجتماعی در کشور گفته: «مردم وقتی بدون مجوز به خیابان می‌آیند و مماشات با آن‌ها می‌شود، معنی‌اش آزادی است حتی بدون قاعده و این مدارای نظام است. نظام مقتدری که آمریکا را از خاورمیانه خارج کرد اما با مردم خودش نهایت مدارا را می‌کند و این یعنی آزادی.» او در بخش دیگری از صحبت‌های خود ریشه مشکلات را اقتصادی و سیاسی ندانسته و آن را به مسائل اجتماعی و فرهنگی ارجاع داده و اینطور توضیح داده که «گروه‌های اقتصادی را در خیابان نمی‌بینیم و این نشان دهنده این است که منشأ این اعتراضات مشکلات اجتماعی و فرهنگی است تا اقتصادی و کسی که مشکل اقتصادی دارد، راه‌حل آن را در تظاهرات خیابانی پیدا نمی‌کند و در آنجا همراهی وجود نداشت.» بحث مشکلات اقتصادی که مطرح می‌شود؛ گروه‌های متفاوتی که تمام این سال‌ها در تجمعاتی حاضر شده‌اند هم به ذهن متبادر می‌شود؛ افرادی که مورد تبعیض‌های اقتصادی قرار گرفته‌اند که نه تنها شامل بازنشستگان، فرهنگیان، روستائیان می‌شود، مردم مناطق محروم در نقاط مختلف کشور ازجمله بلوچستان و زاهدان را هم در برمی‌گیرد. دانشگاهیان و دانش‌آموزان را هم نمی‌توان مبرا از گروه‌های آسیب‌پذیر اقتصادی دانست؛ برخی از آن‌ها از خانواده‌هایی وارد مدارس و دانشگاه‌ها شده‌اند که طعم فقر و انواع تبعیض‌های اقتصادی را چشیده‌اند. به همین مناسبت می‌توان این طور نتیجه گرفت که اتفاقاتی که نقطه آغاز تجمعات مردمی می‌شوند صرفا تنها خواسته و خواسته اصلی آن‌ها در تجمعاتی که شکل می‌گیرد، نیست. آقای گودرزی یکی از ۲۲۷ نماینده مجلسی است که همین چند وقت اخیر در بیانیه‌ای خواستار (به گفته رسانه‌ها) اعدام بازداشت شدگان اخیر در جریان اعتراضات ۱۴۰۱، شده بودند.

تقصیر دولت قبل بود

اما همان‌طور که ذکرش رفت، مردم دیگر اقبالی به احزاب و نمایندگان آن‌ها ندارند. وضوح این امر بر کسی پوشیده نیست و حتی خود سیاسیون هم به این نکته اذعان داشته‌اند. تحلیل این امر و چرایی آن بر عهده جامعه شناسان است البته اگر دستی باز در ارائه یافته‌های علمی و کارشناسانه خود داشته باشند. با این حال برخی مسئولین تقصیر اعتراضات را به گردن مسئولین دولت قبل می‌اندازند. یکی‌شان همین آقای بهادری جهرمی، سخنگوی دولت که در جریان اعتراضات اخیر با حضور در برخی دانشگاه‌ها و لبخندی که در مقابل شعارهای دانشجویان به لب داشت، خبر ساز شد. او در جدیدترین اظهار نظر خود در حالیکه در یک مکان فرش شده روی زمین و روبه‌روی عده‌ای نشسته و میکروفن در دست دارد گفته: «بخش زیادی از اعتراضات امروز نتیجه سیاست‌های غلط اقتصادی، حکمرانی و سیاسی دولت قبل بوده.» جهرمی با بیان اینکه دولت سابق بین خودش و مردم دیوار کشید، توضیح داده: «دولت سابق بین خودش و مردم دیوار کشید و حرف آن‌ها را نشنید و با آنها امنیتی برخورد کرد. دولت قبل اجازه نداد صدای مردم شنیده شود و همین مساله باعث شده تا حجم زیادی از اعتراض تجمیع شود و حالت انفجار به خودش بگیرد. پس مسائل قدیمی را نباید به پای دولت سیزدهم حساب کنیم چون این دولت از همان روزی که روی کار آمد وسط مردم رفته به گونه‌ای که رئیس‌جمهور طی یک سال ۳۱ سفر استانی داشته و با احتساب سفرهای دیگر هر ماه سه سفر انجام شده است.» او به نکته دیگری هم در باب گلوله‌های جنگی اشاره کرده و گفته: «برای دولت مثل آب خوردن بود که از همان روزهای اول اجازه دهد تا نیروی انتظامی از گلوله‌های جنگی استفاده کند و هر کسی را به خیابان آمد بزنند و اینطور مردم بترسند و از خانه خارج نشوند؛ اما این دولت هرگز چنین کاری نمی‌کند؛ چون معترضان را بچه و خانواده خود می‌داند و اصلا کلی سرمایه‌گذاری روی این افراد صورت گرفته تا آنها مشکلات کشور را برطرف کنند.» البته شاید نکته بخش نخست ذکر شده صحبت‌های سخنگوی دولت، آقای علی بهادری جهرمی این باشد که او انفجاری بودن اعتراضات و حجم زیاد آن را پذیرفته است. توضیح اینکه آنچه در متن تحت عنوان اعتراضات ۱۴۰۱ گفته شد مربوط به اعتراضاتی است که از ۲۵شهریور ماه سالجاری آغاز شد. به این دلیل که نقطه آغاز این اعتراضات متوجه حقوق زنان در جامعه می‌شود، برخی افراد همچون نماینده مجلسی که در گزارش نامش ذکر شد، سایر مطالبات مدنی، اجتماعی و سیاسی و از آن مهم‌تر، مطالبات اقتصادی بخش قابل توجهی از مردم ایران را نادیده می‌انگارند و نقشی برای آن‌ها در اعتراضات مردمی در نظر نمی‌گیرند.

یک وکیل دادگستری:

بسیاری از بازداشت‌شدگان از طبقات فرودست جامعه هستند

یک وکیل دادگستری گفته: بسیاری از بازداشت‌شدگان سیاسی نیستند، از طبقات فرودست جامعه هستند بچه‌های کم‌اطلاع هستند و باید اجازه بدهند با یک وکیل مشورت کنند باید اجازه بدهند به وکیل‌شان از زندان زنگ بزنند. علی مجتهدزاده در گفت‌وگویی که با ایلنا داشته، درباره این‌که برخی از نمایندگان بیانیه‌ای در مورد صدور برخی احکام از جمله محاربه درخواست‌هایی از قوه قضائیه داشتند، این موضع گیری آن هم از سوی نماینده‌های مردم چقدر در جامعه تاثیر دارد: ما یک بحثی را تحت عنوان استقلال قوا داریم که مشخص است و قوا حق دخالت در امور یکدیگر را ندارند. این وکیل دادگستری به ضرورت برگزاری دادگاه متهمان حوادث اخیر به صورت علنی اشاره کرده و اینکه برخی از خانواده‌ها از نحوه دسترسی این متهمان به وکلای مورد نظرشان گلایه دارند و توضیح داده که چقدر ضرورت دارد قوه قضائیه و در رأس آن آقای اژه‌ای که بارها در دوره تحول قضائی در مورد حقوق متهمان دستورات خوبی صادر کردند دراین خصوص وارد عمل شوند. مجتهدزاده، گفته: تا به حال این گونه نبوده است که پرونده‌ای را بیاورند و وکیل حتی در مرحله دادگاه اجازه ورود پیدا نکند. یک وقتی شما می‌گویید یک تبصره غیرعادلانه وجود دارد که همه می‌دانند برای مرحله دادسرا است که به دادگاه‌ها تسری می‌دهند. برخی دستگیر شدگان که جزو سیاسیون نیستند، صدایی ندارند. خانواده‌ای با من تماس گرفت نمی‌دانست اتهام فرزندش چیست می‌گفت نمی‌دانم کدام شعبه است و دو روز گذشته هم جلسه دادرسی داشته است. او با بیان اینکه بسیاری از دستگیرشدگان اتفاق اخیر از حقوق قانونی‌شان بی‌اطلاع هستند، گفته: بسیاری از بازداشت‌شدگان سیاسی نیستند، از طبقات فرودست جامعه هستند بچه‌های کم‌اطلاع هستند و باید اجازه بدهند با یک وکیل مشورت کنند باید اجازه بدهند به وکیل‌شان از زندان زنگ بزنند. تا موقعی که حقوق متهم به رسمیت شناخته نشود و تا موقعی که حقوق وی رعایت نشود، نمی‌توانیم بگوییم رسیدگی‌ها عادلانه بوده است. این وکیل دادگستری درباره نقش رئیس قوه قضائیه در برگزاری جلسات مستقل دادگاه‌ها بیان کرده: احساس می‌کنم فضا به گونه‌ای است که ایشان واقعا نمی‌تواند؛ در واقع صدای عقلای حوزه حقوقی و قضائی در این فضا خیلی شنیده نمی‌شود و کسان دیگری دست بالا را دارند و سردمداران رسیدگی هستند. و الا خود آقای اژه‌ای روزهای اول حرف‌های خوبی زدند و چند گام مثبت برداشتند اما امروز مشاهده می‌کنیم در بر پاشنه‌ای می‌چرخد که تا به امروز نبوده است که حتی در سال ۸۸ هم مشاهده نکردیم برخی از این بدعت‌ها به این شکل اتفاق بیفتد زیرا آن سال‌ها ما به دادسرا و دادگاه‌ها مراجعه می‌کردیم، اما امروز از همین ابتدا در را بستند می‌گویند وکیل نمی‌خواهیم یعنی رسما وکلا را از پروسه دادرسی به‌طور کامل حذف می‌کنند و اعتبار آرای قضائی را از بین می‌برند.

پنجـــره

درخواست وکلای پرونده فوت مهسا امینی از دستگاه قضائی

همچنان راه قانونی و مسیر دادخواهی قضائی را ادامه می‌دهیم

صالح نیک‌بخت و علی رضایی وکلای خانواده مهسا (ژینا) امینی در مورد آخرین وضعیت پی‌گیری پرونده فوت «مهسا» بیانیه‌ای صادر کردند. در این بیانیه که خبرگزاری دولتی ایسنا آن را منتشر کرده، وکلای اولیای دم مهسا (ژینا) امینی با ادعای «بی‌پاسخ ماندن درخواست‌های خود و تاکید بر این‌که «همچنان راه قانونی و مسیر دادخواهی قضائی را ادامه می‌دهیم»، اعلام کرده‌اند: از مراجع قضائی ذیربط می‌خواهیم به لوایح متعدد ما، در اعتراض قانونی به رأی کمیسیون پزشکی قانونی و درخواست‌های مکرر مبنی بر در دسترس قرار گرفتن اصل پرونده برای مطالعه و تحقیق از مطلعان توجه کرده و آن را عملی کنند. وکلا از تاریخ چهارم مهرماه اعلام وکالت کرده و چندین بار نیز سرپرست دادسرای جنایی و بازپرس ویژه قتل به درستی اعلام کرده‌اند؛ اولیای دم مطابق قانون حق اعتراض به نظریه کمیسیون پزشکی را دارند و به درخواست آنان در کمیسیونی دیگر رسیدگی و از پزشکان معتمد خانواده به عنوان مستشار نیز دعوت می‌کنند. به همین جهت وکلا با اخذ رونوشت نظریه کمیسیون و پس از مشورت با پزشکان صاحب نظر، در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۲۷ طی لایحه‌ای به صورت مدلل به نظریه کمیسیون پزشکی قانونی اعتراض کرده و به‌ویژه بخش الف نظریه در مورد عوامل مؤثر در فوت را مستند به آخرین آزمایش غدد مهسا در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۲۰(یکماه قبل از حادثه) پاسخ داده‌اند. با توجه به این‌که روند درمان مهسا تحت نظر پزشکان متخصص غدد صورت گرفته است، ابهام نظر کمیسیون در مورد کفایت درمان‌های دارویی برطرف شده و در نتیجه نظریه پزشکی قانونی دایر بر اینکه: «... به نظر می‌رسد بروز اختلال ناگهانی هوشیاری Faint و آریتمی و افت فشار خون و ایست قلبی متعاقب آن به دلیل اختلال در عملکرد محور هیپوتالاموس – هیپوفیز و نارسایی ثانویه در عملکرد غدد فوق کلیوی و عدم توان انطباق مناسب فرد در موقعیت‌های نامأنوس و عوارض قلبی- عروقی آریتمی و فشار خون ناشی از آن است» اساساً منتفی به نظر می‌رسد. وکلای خانواده امینی مدعی هستند: با توجه به نظر پزشکان متخصص قلب و عروق و مغز و اعصاب و غدد و نیز با توجه به روند درمان منظم بیماری غدد مهسا به‌طور کلی امکان از دست دادن عوامل حیاتی در فاصله کمتر از یک ساعت از زمان دستگیری نامبرده توسط گشت ارشاد مفقود است. این وکلا در لوایح خود یادآور شده‌اند: نظریه کمیسیون پزشکی عمدتاً در جهت نفی ورود ضربه یا عوامل خارجی است، ولی از آنجا که این‌گونه نظریات پزشکی و یا هر نظریه دیگر در مقام بیان نظر کارشناسی، قطعی و غیرقابل اعتراض نیست، وکلا انتظار دارند و امیدوارند که معاون دادستان محترم تهران و بازپرس ویژه قتل وعده‌های قانونی خود در مورد قبول اعتراض به نظریه ابرازی را عملی کرده و موضوع را به کمیسیونی دیگر جهت رسیدگی مجدد به علت فوت مهسا با حضور پزشکان صاحب نظر معرفی شده از طرف والدین وی ارجاع دهند. وکلا همچنان بر درخواست‌های قبلی خود دایر بر مطالعه اصل پرونده و تحقیق از چهار نفر از پرسنل نیروی انتظامی خودرو ون حامل مهسا و نیز تحقیق از همه بانوانی که در همان ساعت دستگیر و با آن خودرو به محل پلیس امنیت اخلاقی منتقل شده بودند، پافشاری می‌کنند و تقاضا دارند با مواجهه حضوری آنان با برادر و دخترخاله مهسا که شاهد و ناظر بوده‌اند و نیز در دسترس قرار گرفتن فیلم‌های ضبط شده از زمان دستگیری تا زمان به زمین افتادن مهسا در جریان امر قرار گیرند. به گفته این وکلا، تحقیقات کامل مقدماتی در مرحله دادسرا پایه دادرسی منصفانه است و چه بسا تحقیقات کامل مقدماتی از دادرسی دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر نیز مهمتر است. کامل نبودن و یا نادیده گرفتن این تحقیقات نه تنها مخالف دادرسی عادلانه است بلکه می‌تواند مسیر دادرسی را منحرف کرده و موجب تضییع حقوق طرفین دعوی و نیز ناکارآمد نشان دادن دستگاه قضا شود. وکلای پرونده اعلام کرده‌اند: از آنجایی که نظریات کارشناسی در هر پرونده‌ای همیشه در معرض آزمون و خطا قرار دارد و در نظریه کمیسیون پزشکی نیز از ۱۹ نفر کارشناس امضا کننده نظریه تنها ۵ نفرشان از پزشکان عضو سازمان پزشکی قانونی بوده‌اند، از این رو دعوت از پزشکان برجسته‌ای که خانواده مهسا معرفی کرده و از افتخارات جامعه پزشکی ایران در داخل و خارج می‌باشند نه خللی به روند صدور نظریه جدید پزشکی وارد می‌کند و نه غیرقانونی است؛ زیرا وکلا و خانواده مهسا با مسائل تخصصی پزشکی آشنایی ندارند و با توجه به این‌که پرونده مرگ مهسا اکنون به یک پرونده ملی تبدیل شده است، پذیرش خواسته‌های والدین داغدیده او می‌تواند استقلال دستگاه قضا و بیطرفی آن در بحث و جدال‌های سیاسی را نمایان و برجسته کند. نویسندگان این بیانیه «پذیرش اعتراض قانونی اولیای دم» را بر روند رسیدگی قضائی و شفافیت دادرسی و اعتمادسازی عمومی موثر دانسته و خاطرنشان کرده‌اند: تنها در این مسیر است که وکلای پرونده می‌توانند به وظایف خود عمل کنند و همچنان تاروشن شدن نتیجه رسیدگی کامل از عملکرد دستگاه قضائی دفاع کنند. وکلای پرونده ابراز امیدواری کرده‌اند: در جلسه‌ای که برای اوایل هفته آینده تعیین شده است وعده‌های قبلی مراجع قضائی عملی شود و پس از مطالعه کامل اصل پرونده بازپرس محترم از همه افرادی که درخواست تحقیق از آنان شده است تحقیقات لازم به عمل آورده و فیلم‌ها و گزارش‌های ذیربط را در دسترس وکلا قرار دهند. مهسا امینی دختر ۲۲ساله‌ای بود که ۲۲شهریورماه سالجاری از سوی نیروهای گشت ارشاد بازداشت و پس از دستگیری و هدایت به یکی از مقرهای پلیس تهران و انتقال به بیمارستان درگذشت.

روی خط آرمان ملی

۸۸۷۶۰۱۷۶

باربری‌ها

شرکت‌های حمل‌ونقل باربری برای جابه‌جایی وسایل خانه هزینه‌های سرسام‌آوری را تعیین و از مردم مطالبه می‌کنند و در این بین برای یک سری وسایل هزینه‌های اضافه از مشتریان دریافت می‌کنند مثال برای بردن یخچال و تلویزیون هزینه‌های اضافه بر مصوب خودشان می‌گیرند به بهانه اینکه ما سالم آن را به ساختمان برسانیم. آیا نظارتی هم بر کار این گونه شرکت‌ها وجود دارد؟

حمیدی از تهران